باید مثل سیدجمال به استقبال حوادث و وقایع برویم

حجت‌الاسلام و المسلمین وحدتی شبیری، رئیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی در همایش بین‌المللی «سید جمال‌الدین اسدآبادی و فکر معاصر جهان اسلام»، گفت: سید جمال‌الدین اسدآبادی به درون جامعه آمد، درهای مردم را از نزدیک لمس و با مردم زندگی کرد. او استعدادهای نخبه را شناسایی و روی آن‌ها کار کرد تا توانست یک حرکت اصلاح‌گرانه مبتنی بر دین ایجاد کند. اگر حوزه علمیه می‌خواهد سید جمال‌پرور باشد باید بر اصالت‌های خود تاکید کند. از روش‌شناسی کهن بهره ببرد، به گذشته بسنده نکند و به استقبال حوادث واقعه رفته و این حوادث را مدیریت کند. اگر ما به استقبال حوادث و وقایع نرویم، نمی‌توانیم اثرگذار باشیم.

یادداشت

یادداشت اختصاصی آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

«مبعث»؛ سر آغاز تشکیل حکومت عدل الهی

بسم الله الرحمن الرحیم

بعثت، سرآغاز ابلاغ وحی و عرضه نظامات فراگیر و همه جانبه اسلام، تا تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت الله به رهبری شخص رسول اعظم صلی‌الله علیه و آله و سلم است.

در بقا، پیش‌آهنگ ضرورت است.

چهارده قرن است که از آن واقعه بزرگ تاریخی می گذرد، و هرچه گذشت زمان بیشتر شده و نیروی خرد و اندیشه بشر، توانتر و دوربوارتر گشته، اهمیّت این واقعه بزرگ آشکارتر شده است.

زمان ها و قرن ها و قرن ها و ادوار تاریخ هرچه بیشتر می گذرد، بیشتر بر ارزش و اهمیّت دعوت اسلام آگاه تر می‌شود.

آن شخصیّتی که در این روز عزیز و بزرگ و جاودانی، نقش اصلی و محوری را دارد وجود مبارک پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است. سیره زندگانی آن حضرت و مکتب ایشان، برای جامعه بزرگ بشریت، آموزنده‌ترین و سازنده‌ترین درس است که آن را باید به عنوان یک علم جهانی، بلکه بالاتر معرّفی نمود که جامعه متحیّر و سرگردان، نیازمند شناخت بیشتر این سیره و بحث و کاوش در آن هستند.

بزرگان عرصه علم و ادب و فصاحت و بلاغت و شجاعت درباره آن شخصیّت عظیم، صاحب رَوز بزرگ مبعث هر چه بنویسند و بگویند باز هم قطرهای از آن اقیانوس بیکران را به کام تشنه‌لبان معرفت و بینش نچشانده‌اند. باید در این امر به سرچشمه نامه قرآن و اهل بیت علیهم السلام رهسپار شویم و از باب «ما لایدرک کله لایترک کله» جرعه‌نوش زلال آن بحار عمیق و ژرف گردیم، که از هر چه ما بگوییم و دیگران اعتراف کنند، قرآن و روایات از همه بالاتر و رساتر است.

آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.» «به راستی بگوییم؟!

آری، باید مدح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را از زبان گوهرافشان امیرالمؤمنین علیه السلام بشنویم، و اوصاف نبی را از وَلیّ فرا بگیریم، چرا که پیغمبرشناسی و اسلام‌شناسی و قرآن‌شناسی آکادمّ و دانائر از علی علیه السلام نداریم، و هیچ کس به حقیقت نمی‌تواند پیغمبر را مانند او توصیف نماید. هرچه علی علیه السلام بفرماید، متن واقع و عین حقیقت است زیرا حضرتش نمایش و جلوه وجود پیغمبر و آیینه تمام‌نمای کمال او دین او و قرآن او و برادر او و وصیّ او و خلیفه و جانشین او و وارث او و باب مدینه علم او و محبوب‌ترین خلق بعد از اوست. آنجا که در خطبه ۲۶ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيهِ وَ آلِه نَذِيرا لِلعالَمِينَ، وَ أَمِينا عَلَى التَّنزِيلِ، وَ أَنتُم مَعشَرَ العَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ، وَ فِي شَرِّ دارٍ، مُنِيخُونَ بَينَ حِجارَةٍ خُشنٍ، وَ حَيَّاتٍ صُمٍّ، تَشرَبُونَ الكَدِرَ، وَ تَأكُلُونَ الجَشِبَ، وَ تَسفِكُونَ دِماءَكُم، وَ تَقطَعُونَ أَرحامَكُم، الأَصنامُ فِيكُم مَنصُوبَةٌ، وَ الآثامُ بِكُم مَعصُوبَةٌ؛ به درستی که خداوند متعال برانگیخت محمد صلی الله علیه و آله را نذیر و ترساننده جهانیان، و امین بر آنچه نازل می‌گردید. و شما گروه عرب بدترین کیشها را داشتید، و در بدترین خانه مقیم بودید، و در میان سنگهای درشت که سر می‌بردید، و با مارهای گزنده همخانه بودید. آبهای ناصاف می‌نوشیدید، و غذای غلیظ و بی‌خورش می‌خوردید، و خون یکدیگر را می‌ریختید، و ارحام را قطع می‌نمودید. بتها در میان شما برپا بودند و گناهان به شما بسته.»

و یا در خطبه ۸۵ می‌فرماید: «وَ أَنزَلَ عَلَيكُمُ الكِتابَ تِبياناً لِكُلِّ شَيءٍ، وَ عَمَّرَ فِيكُم نَبِيَّهُ أَزماناً حَتَّى أَكمَلَ لَهُ وَ لَكُم فِيما أَنزَلَ مِن كِتابِهِ دِينَهُ الَّذِي رَضِيَ لِنَفسِهِ، وَ أَنهى إِلَيكُم عَلى لِسانِهِ مَحابَّهُ مِنَ الأَعمالِ وَ مَكارِهَهُ وَ نَواهِيَهُ وَ أَوامِرَهُ. فَأَلقَى إِلَيكُمُ المَعذِرَةَ، وَ اتَّخَذَ عَلَيكُمُ الحُجَّةَ، وَ قَدَّمَ إِلَيكُم بِالوَعِيدِ، وَ أَنذَرَكُم بَينَ يَدَي عَذابٍ شَدِيدٍ؛ بر شما نازل فرمود کتاب (قرآن) را که برهان هر چیزی در آن است، و پیغمبرش را مدّتی در میان شما زنده نگه داشت تا برای وی و برای شما در آنچه از کتاب نازل کرده دین خود را که مورد پسند اوست کامل گرداند، و بر شما با زبان پیغمبر اعمالی را که محبوب و مکروه اوست و نهی‌ها و امرهای خود را اعلام نمود. پس الفا کرد به سوی شما عذر خود را [در عذاب و مؤاخذه شما]، و از شما اخذ حجّت نمود، و مقدّم داشت به سوی شما وعید و تهدید را، و ترسانید شما را از عذاب شدید.»

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «حَتَّى أَفضَتْ كَرامَةُ اللهِ سُبحانَهُ إِلى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ آلِه فَأَخرَجَهُ مِنَ المَعادِنِ مُنِيفاً، وَ أَعَزَّ الأَرومَةِ مَغرِساً، مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَ مِنها أَنبِياءَهُ، وَ انتَجَبَ مِنها أَمناءَهُ. عِترَتُهُ خَيرُ العِترَ، وَ أُسرَتُهُ خَيرُ الأُسَرِ، وَ شَجَرَتُهُ خَيرُ الشَّجَرِ؛ نَبَتَت فِي حَرَمٍ، وَ بَسَقَت فِي كَرَمٍ، لَها فُروعٌ طِوالٌ، وَ ثَمَرٌ لا تُنالُ. فَهُوَ إِمامٌ مَن اتَّقى، وَ بَصِيرَةٌ مَنِ اهتَدى، سِراجٌ لَمَعَ ضَوؤُهُ، وَ شِهابٌ سَطَعَ نُورُهُ، وَ زَندٌ بَرَقَ لَمعُهُ. سِيرَتُهُ القَصدُ، وَ سُنَّتُهُ الرُّشدُ، وَ كَلامُهُ الفَصلُ، وَ حُكمُهُ العَدلُ. أَرسَلَهُ عَلى حِينِ فَترَةٍ مِنَ الرُّسُلِ، وَ هَفوَةٍ عَنِ العَمَلِ، وَ غَباوَةٍ مِنَ الأُمَمِ؛ تا اینکه کرامت الله سبحان (که منصب نبوّت و رسالت باشد) منتهی شد و رسید به محمّد صلی الله علیه و آله. پس بیرون آورد او را از بهترین معدنها از جهت رویبدن، و عزیزترین اصلها از حیث نشاندن. از درختی که بیرون آورد از آن پیغمبران خود را، و برگزید از آن امینان خود را. عترت آن حضرت بهترین عترت‌ها، و قبیله او بهترین قبیله‌ها، و درخت او بهترین درختهاست؛ درختی که در حرم روییده، و در مجد و کرم رشد و نمو کرده، و از برای آن شاخه‌های بلند و میوه‌ای است که دست [تطاول و خیانت] به آن نمی‌رسد (اشاره به مقام والای آن حضرت و اهل بیت طاهرین اوست که برای کسی دسترسی به آن حاصل نخواهد شد). پس او پیشوای کسی است که پرهیزکاری کرد، و بینایی کسی است که هدایت جست، و چراغی است درخشان، و سَرَنده‌ای است که نور از آن ساطع است، و روشن‌کننده‌ای است که لمعان آن برق می‌دهد. سیره و روش او میانه‌روی است، و سنّت و طریقه او رشد و صواب است، و سخن او جداکننده [میان حق و باطل] است، و حکم او عدل است. فرستاد او را در هنگام انقطاع فرستادگان، و زمان لغزش [عاملان] از عمل، و غفلت امّتها.»

(ترجمه تفسیر المیزان ج۱۴ص۳۶۳)

ب) جانشین کردن مؤمنان در زمین با جایگاه دادن به دینشان به همراه امنیت کامل و توحید خالص (آیه۵۵ نور)

این جانشینی باید «در همه کره زمین» باشد (لیستخلفنهم فی الارض) و با «تمکین دین»، «امنیت کامل» و «توحید خالص» باشد: ولیمکنّن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا(ر.ک: ترجمه المیزان ج15ذیل آیه)

ج) برقراری قسط توسط مردم (آیه ۲۵ حدید)

آشکار است این اهداف در گستره خود محقق نشده است. دنیا هنوز پر از نحله‌های ساختگی و ادیان تحریف شده است. مؤمنان واقعی نیز جانشین در همه زمین نشده‌اند و هنوز در استضعاف مستکبران و طاغوت‌هایند. امنیت ندارند و در تهدید دائمی سلطه‌گران هستند. عدالت فراگیر و پایدار هم محقق نشده است، پس از رسول الله حکومت‌های اموی و عباسی با وجود جهان‌گشایی جیرگی آن‌ها بر بقایای برجامانده از ادیان الهی. ایران نیز نحله‌های مانوی و مزدکی در حال پیشروی بودند. زرتشتیت به‌عنوان یک دین الهی دچار تنویت و نظام طبقاتی شده بود و اگر اسلام ظهور نمی‌کرد در مقابل آن نحله‌های پرشمار یارای مقاومت نداشت!

شهید مطهری از کریستن سن نقل می‌کند: روحانیون زرتشت هنگام غلبه اسلام دریافتند باید برای حفظ شریعت خود از انحلال کامل آن، کوشش نمایند و این کوشش با کنار نهادن عقاید کودکانه و اساطیر و انجام اصلاحات فراوان در عقاید خود صورت گرفت» (ر.ک: خدمات متقابل اسلام ایران ص۱۹۲ تا ۲۰۸)

احکام اسلام و تمایز بین پیروان ادیان الهی و آیین‌های ساختگی بود که مسیحیت و زرتشتیت را باقی گذاشت و آیین‌های پرشمار را محو کرد.

ب)مختصات اقتصادی به این مختصات در حکمت بعثت آخرین پیامبر کمتر توجه می‌شود. بعثت در شهری بازرگانی، چند قرن پیش از سیطره تجارت و بازرگانی بر کشاورزی و دامپروری و پیدایش «جامعه بازار» یا «محیط بازاری» محقق شده و این تقدیری الهی و بسیار حکیمانه است. در دوره فئودالیته اروپا که نرخ عادلانه را شأن و طبقه اجتماعی معلوم می‌کند؛ دین خاتم در شهری با رسوم بازرگانی، آموزه «تجارة عن تراض» می‌آورد. در عین حال برای جلوگیری از سرمایه‌داری آینده اروپا، جای شروع چرخه تجارت از دِین (قرض) و بالطبع ربای قرض و آسیب‌های نظام پولی و مالی؛ با نهادهایی مثل «مضاربه» شروع می‌کند که منجر به تفاوتی اساسی می‌شود. تو گویی آوردهای آن پیامبر خاتم در شهر بازرگانی مکه، چراغ برای فردای جهان و مهار گسترش بازرگانی در آخرالزمان است؛ طوری که کشف و رعایت آن آموزه‌ها، توالی منفی سرمایه‌داری پروتستانی را کنترل کند.

ج) مختصات سیاسی

بین هزیمت دو امپراتوری مسلط آن روز و حامیان اقماری‌شان، بعثت پیامبر خاتم‌الانبیاء فی‌الحد، حجاز را نه تحت‌الحمایه کسری از آن‌ها خواست و نه بنای امپراتوری سوم در سر داشت؛ بلکه سبک جدیدی از حکومت‌داری و مردم‌سالاری را بنا نهاد که نه آن‌روز نمونه داشت و نه ریشه در دموکراسی‌های یونان داشت. زمانی به حاکمیت یثرب پذیرفته شد که قریب به اتفاق مردم آن شهر هنوز پیامبری او را نپذیرفته بودند!

او حاکمی عادل و امین تلقی شد بدون اینکه حتماً معتقد به دین او باشند و این، راه را برای حکومتی دینی باز کرد که بر مردمی غیرمتدین به آن دین هم قابلیت حکمرانی داشته باشد. برای مدینه مشرک، یهودی و مسلمان قانون اساسی‌ای عادلانه نوشت و براساس ضوابط آن، حکمرانی را آغاز کرد؛ تا نقض آن پیمان و میثاق نکردند یا طایفه‌ای از آن‌ها درگیر نشد.

این نزدیکی و پیوستگی با مردم بدون امتیازطلبی و تکبر مقوله جدیدی در حکمرانی را برای بشر آورد که در کتاب قرآنش «ولایت» نام گرفت. البته پیروان او همان ظرایف را به‌کار نبستند و جز در دوره‌ای محدود (کمتر از پنج سال) این نحوه حکمرانی استمرار نیافت. مسلمین هم امپراتوری‌های جای روم و ایران شدند و امتیازطلبی‌ها و استثنائ به «استبداد» انجامید.

۳. مصلحان و احیاگران بعثت

این بعثت باز برای رسیدن به اهداف نام برده‌اش نیازمند احیاگرانی شد که آن اسلام اصیل را بازخوانند. در سده‌های اخیر طیفی از این احیاگران پدید آمدند که برخی بهتر از برخی دیگر بودند.

کامل‌ترین آن‌ها امام خمینی بود که توانست «طرح پیامبرانه» خاتم‌الانبیا را برای بشر بخواند و در مردمی‌ترین انقلاب عصر خویش به دنبال تحققش افتد. احیای توحید و دعوت به «کلمه سواء» به‌جای مسلمان کردن مسیحیان و یهودیان، سرلوحه قرار گرفت.

دستان دشمن همزمان بخشی از جهان اسلام را به سمت سکولاریزاسیون و بخش دیگر را به سمت احیای خلافت اسلامی می‌برد تا پیام اصیل انقلاب اسلامی را بین این دو گم کند. از این رو است که تحقق عینی و عملی مردم‌سالاری دینی به‌شکل کامل و واقعی درون ایران، اصلی‌ترین عامل خنثی‌سازی این توطئه‌هاست.

حجت الاسلام محسن قنبریان: ما در آستانه بعثت می‌خواهیم از پیامبری و رسالتی حرف بزنیم که برای همه بشر فرستاده شده است. بدانیم او چه طرح عینی و عملی آورده است و بررسی کنیم آیا ایشان این طرح را صرفا بیان کرده یا ریل‌گذاری آن را انجام داده است. به این منظور اهداف محقق نشده و مختصات بعثت پیامبر(ص) را به اجمال بررسی می‌کنیم و دست آخر از مصلحان بعثت و طرح پیامبرانه خاتم‌الانبیا برای بشر و جریان‌های مقابل آن حرف می‌زنیم.

۱. اهداف محقق نشده بعثت

خداوند در آن چند هدف برای بعثت رسول‌الله می‌شمارد که هنوز محقق نشده است:

الف) ظهور دین حق بر همه ادیان محرّف و ایسم‌های منحرف (آیات ۳۳ توبه/ ۲۸ فتح/ ۹ صف)

علامه طباطبایی می‌فرماید: «کلمه اظهار وقتی در مورد چیزی علیه چیزی دیگر به‌کار رود، معنای غلبه را می‌دهد. وقتی می‌گوییم دین اسلام را بر سایر ادیان اظهار داد معنایش این است که آن را بر سایر ادیان غلبه داد. منظور از همه ادیان، همه روش‌های غیرخدایی است که در بین بشر سلوک می‌شود.

(ترجمه تفسیر المیزان ج۹ص۴۱۳)

ب) جانشین کردن مؤمنان در زمین با جایگاه دادن به دینشان به همراه امنیت کامل و توحید خالص (آیه۵۵ نور)

این جانشینی باید «در همه کره زمین» باشد (لیستخلفنهم فی الارض) و با «تمکین دین»، «امنیت کامل» و «توحید خالص» باشد: ولیمکنّن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا(ر.ک: ترجمه المیزان ج15ذیل آیه)

ج) برقراری قسط توسط مردم (آیه ۲۵ حدید)

آشکار است این اهداف در گستره خود محقق نشده است. دنیا هنوز پر از نحله‌های ساختگی و ادیان تحریف شده است. مؤمنان واقعی نیز جانشین در همه زمین نشده‌اند و هنوز در استضعاف مستکبران و طاغوت‌هایند. امنیت ندارند و در تهدید دائمی سلطه‌گران هستند. عدالت فراگیر و پایدار هم محقق نشده است، پس از رسول الله حکومت‌های اموی و عباسی با وجود جهان‌گشایی جیرگی آن‌ها بر بقایای برجامانده از ادیان الهی. ایران نیز نحله‌های مانوی و مزدکی در حال پیشروی بودند. زرتشتیت به‌عنوان یک دین الهی دچار تنویت و نظام طبقاتی شده بود و اگر اسلام ظهور نمی‌کرد در مقابل آن نحله‌های پرشمار یارای مقاومت نداشت!

شهید مطهری از کریستن سن نقل می‌کند: روحانیون زرتشت هنگام غلبه اسلام دریافتند باید برای حفظ شریعت خود از انحلال کامل آن، کوشش نمایند و این کوشش با کنار نهادن عقاید کودکانه و اساطیر و انجام اصلاحات فراوان در عقاید خود صورت گرفت» (ر.ک: خدمات متقابل اسلام ایران ص۱۹۲ تا ۲۰۸)

احکام اسلام و تمایز بین پیروان ادیان الهی و آیین‌های ساختگی بود که مسیحیت و زرتشتیت را باقی گذاشت و آیین‌های پرشمار را محو کرد.

ب)مختصات اقتصادی به این مختصات در حکمت بعثت آخرین پیامبر کمتر توجه می‌شود. بعثت در شهری بازرگانی، چند قرن پیش از سیطره تجارت و بازرگانی بر کشاورزی و دامپروری و پیدایش «جامعه بازار» یا «محیط بازاری» محقق شده و این تقدیری الهی و بسیار حکیمانه است. در دوره فئودالیته اروپا که نرخ عادلانه را شأن و طبقه اجتماعی معلوم می‌کند؛ دین خاتم در شهری با رسوم بازرگانی، آموزه «تجارة عن تراض» می‌آورد. در عین حال برای جلوگیری از سرمایه‌داری آینده اروپا، جای شروع چرخه تجارت از دِین (قرض) و بالطبع ربای قرض و آسیب‌های نظام پولی و مالی؛ با نهادهایی مثل «مضاربه» شروع می‌کند که منجر به تفاوتی اساسی می‌شود. تو گویی آوردهای آن پیامبر خاتم در شهر بازرگانی مکه، چراغی برای فردای جهان و مهار گسترش بازرگانی در آخرالزمان است؛ طوری که کشف و رعایت آن آموزه‌ها، توالی منفی سرمایه‌داری پروتستانی را کنترل کند.

ج) مختصات سیاسی

بین هزیمت دو امپراتوری مسلط آن روز و حامیان اقماری‌شان، بعثت پیامبر خاتم‌الانبیاء فی‌الحد، حجاز را نه تحت‌الحمایه کسری از آن‌ها خواست و نه بنای امپراتوری سوم در سر داشت؛ بلکه سبک جدیدی از حکومت‌داری و مردم‌سالاری را بنا نهاد که نه آن‌روز نمونه داشت و نه ریشه در دموکراسی‌های یونان داشت. زمانی به حاکمیت یثرب پذیرفته شد که قریب به اتفاق مردم آن شهر هنوز پیامبری او را نپذیرفته بودند!

او حاکمی عادل و امین تلقی شد بدون اینکه حتماً معتقد به دین او باشند و این، راه را برای حکومتی دینی باز کرد که بر مردمی غیرمتدین به آن دین هم قابلیت حکمرانی داشته باشد. برای مدینه مشرک، یهودی و مسلمان قانون اساسی‌ای عادلانه نوشت و براساس ضوابط آن، حکمرانی را آغاز کرد؛ تا نقض آن پیمان و میثاق نکردند یا طایفه‌ای از آن‌ها درگیر نشد.

این نزدیکی و پیوستگی با مردم بدون امتیازطلبی و تکبر مقوله جدیدی در حکمرانی را برای بشر آورد که در کتاب قرآنش «ولایت» نام گرفت. البته پیروان او همان ظرایف را به‌کار نبستند و جز در دوره‌ای محدود (کمتر از پنج سال) این نحوه حکمرانی استمرار نیافت. مسلمین هم امپراتوری‌های جای روم و ایران شدند و امتیازطلبی‌ها و استثنائ به «استبداد» انجامید.

۳. مصلحان و احیاگران بعثت

این بعثت باز برای رسیدن به اهداف نام برده‌اش نیازمند احیاگرانی شد که آن اسلام اصیل را بازخوانند. در سده‌های اخیر طیفی از این احیاگران پدید آمدند که برخی بهتر از برخی دیگر بودند.

کامل‌ترین آن‌ها امام خمینی بود که توانست «طرح پیامبرانه» خاتم‌الانبیا را برای بشر بخواند و در مردمی‌ترین انقلاب عصر خویش به دنبال تحققش افتد. احیای توحید و دعوت به «کلمه سواء» به‌جای مسلمان کردن مسیحیان و یهودیان، سرلوحه قرار گرفت.

دستان دشمن همزمان بخشی از جهان اسلام را به سمت سکولاریزاسیون و بخش دیگر را به سمت احیای خلافت اسلامی می‌برد تا پیام اصیل انقلاب اسلامی را بین این دو گم کند. از این رو است که تحقق عینی و عملی مردم‌سالاری دینی به‌شکل کامل و واقعی درون ایران، اصلی‌ترین عامل خنثی‌سازی این توطئه‌هاست.

مؤمنان فقط مخاطب بعثت نیستند بلکه متکلم به آن رسالت و رسانند به دیگران هم هستند

بعثت و «طرح پیامبرانه» خاتم‌الانبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای بشر

نشر

یک پنجره خورشید

در جنگ احد کار سخت شد. دشمن هجوم آورده بود. هر کدام از سربازان پیامبر(ص) می‌خواستند از خودشان دفاع کنند و یکی یکی به شهادت می‌رسیدند. سوارکاران معروف قریش با همدیگر قرار گذاشتند پیامبر را بکشند. از همه طرف به سمت پیامبر هجوم آوردند. عده‌ای نیز به سمت ایشان سنگ پرتاب می‌کردند. سنگی به پیشانی پیامبر(ص) خورد؛ پیشانی ایشان شکست و خون روی محاسنشان ریخت. یکی از حلقه‌های کلاهخود در پیشانی پیامبر فرورفته، دندان ایشان شکسته و لبشان پاره شده بود. ابیّ بن خلف که از یک‌سواران قریش بود، گفت:«خدا مرا بکشد اگر محمد را نکشم». علی و گروهی از مسلمانان نمی‌گذاشتند او به پیامبر نزدیک شود. پیامبر وقتی او را دید فرمود: «بگذارید بیاید». ابیّ بن خلف به او گفت: نزدیکی پیامبر که رسید، ایشان ضربه‌ای به گردن او زد به‌طوری که از روی اسب به زمین افتاد، برخاست و با سرعت تمام، همراه دوستانش با به فرار گذاشت و مانند گاوی زخم خورده ناله می‌کرد. دوستانش به او گفتند: «چرا این قدر داد و بیداد می‌کنی؟ یک ضربه ساده که بیشتر نبود!» گفت:«به خدا قسم اگر محمد این ضربه را به اهل حجاز زده بود، همه می‌مردند!»آنچه خواندید بخشی با عنوان «شجاعت پیامبر(ص)» از کتاب «یک پنجره خورشید» بود که قرار است سیره و سیمای رسول اکرم(ص) را از قول و نگاه امام رضا(ع) برای شما روایت کند.

نویسنده کتاب محمدهادی زاهدی در مقدمه این کتاب آورده است «بی‌تردید یکی از بهترین شمایل‌ها و سیره‌هایی که توانسته پاره‌ای از سیره پیغمبر اکرم(ص) را بیان کند، روایتی است که امام علی بن موسی الرضا(ع) از پدران ارجمند خود از زبان دو سبط پیامبر، امام حسن و امام حسین(ع) روایت کرده که آن دو نیز از دایی (هند بن ابی‌هاله فرزندخوانده حضرت محمد) و پدر خود امیرالمؤمنین(ع) بیان کرده‌اند. افزون بر آن‌ها در کتاب عیون اخبارالرضا نیز توصیفات دیگری درباره پیامبر اکرم(ص) آمده است آن را نیز به نوشته افزوده‌ام».«هزینه چاپ این کتاب توسط بانی و خیّر فرهنگی تأمین شده است»... این جمله را همان صفحات اول «یک پنجره خورشید» می‌بینید. این اثر را «محمد هادی زاهدی» در هشت فصل و ۱۳۰ صفحه نوشته و انتشارات «زائر رضوی» به همت معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی منتشر کرده است. اگر در این شرایط کرونایی صلاح نمی‌دانید یا فرصت نمی‌کنید برای دریافت نسخه چاپی از جایی اقدام کنید، می‌توانید کد QR زیر این مطلب را اسکن کنید تا همه چیز را درباره این کتاب پیدا کنید.

نمای نزدیک

بعدازظهرها با او | عکس: عادل عزیزی

حمید سبحانی: او را به جان شاخه نباتش قسم می‌دهد و زیرلبش فاتحه‌ای می‌خواند و با نوک انگشتش صفحه‌ای از دیوان را باز می‌کند.

ذره‌بین را روی صفحه می‌گیرد و پس از درنگی زمزمه می‌کند:

طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری/ ارادتی بنما تا سعادتی ببری

آن ذره‌بین قدیمی که از طوبی خانم برایش به یادگار مانده بود، ماه پیش بر اثر بازیگوشی نوه کوچیکه شکست و هیچ چسب و ترفندی کارگر نشد که این یادگار حاجیه خانم مثل اولش شود. اما بی‌ذره‌بین گمیت زندگی حاجی‌بابا لنگ بود. حاجی بابا بود و کتاب‌هایش! حافظ، سعدی، مثنوی، تفسیر المیزان، قرآن و... .

چند روزی طول کشید تا حاجی بابا با این ذره‌بین جدید کنار بیاید و با آن اخت شود.

چندین سال است که بعداز ظهرها، اتوبوس خط ۱۲، در انتهای خیابان شیرازی به حرم می‌رساندش تا حاجی بابا سری به طوبی خانم در بهشت ثامن‌الائمه بزند! هم اخبار خانه را بدهد، هم اینکه می‌داند طوبی خانم خیلی اهل تنها ماندن نیست. خودش هم دلتنگ می‌شود.

آن موقع‌ها حاجی بابا هر بعدازظهرها با همان ذره‌بین قدیمی، قرآن می‌خواند و سوز صدایش با همان دو دانگ صدا اشک‌های طوبی خانم را جاری می‌کرد. حالا در نبود طوبی خانم روز به نیمه نرسیده بی‌تاب می‌شود؛ درست عین آن قناری پرتقالی‌رنگ در قفس گوشه حیاط.

...و حالا اینجا میان این حرم تنها جایی است که می‌تواند این بی‌تابی را تاب بیاورد.

ذره‌بین جدید گرچه جای آن قدیمی را نمی‌گیرد، اما همین‌که می‌تواند با آن آیه‌های قرآن را خط ببرد و توایش را با طوبی خانم تقسیم کند برایش کافی است.

چهارشنبه‌های امام‌رضایی

آن اذان گفتنِ بالای گلدسته‌ها...

چهارشنبه‌ها به دلیل آنکه در روایات از بین روزهای هفته به امام رضا(ع) اختصاص دارد، فرصتی است تا فارغ از روزمرگی‌ها از دور و نزدیک دل‌ها را به ضریح و پنجره فولاد امام رئوف(ع) گره بزنیم و زنگار از دل برگیریم. جواد فروغی، قاری بین‌المللی اسلام درباره فرصت‌سازی «چهارشنبه‌های امام رضایی» برای جلب قلوب به وجود مقدس حضرت ثامن‌الحجج(ع)، به «آستان نیوز»می‌گوید: بدون شناخت و ارتباط از سر معرفت، دل‌های ما فرسنگ‌ها از امام رضا(ع) دور خواهد بود... این عشق است که ما را به زیارت می‌کشاند اما آن که با علم و شناخت به زیارت، وارد حرم امام رضا(ع) می‌شود مطمئناً اندیشه و فکر و آثار زیارتش متفاوت خواهد بود با آن که بدون معرفت به زیارت می‌آید و تنها چشم به حوائج خود دارد!

متأسفانه شاید من نیز جزو آن‌ها باشم که از این اقیانوس به قدری که باید، بهره نگرفته‌ام! غلو نمی‌کنم شاید یک نَم هم از این دریا به من نرسیده باشد اما در حال تلاش هستم و عشق آن را دارم که بهره بگیرم. سعی‌ام بر آن است که برای قرآن و اهل بیت(ع) گام بردارم، همانند طفلی که برای راه رفتن تلاش می‌کند.

تمام برکت کار و پیشرفتم را مدیون تنفس در مشهد مقدس و همجواری با امام رضا(ع) هستم. افتخارم تولد و تربیت در خانواده‌ای فرهنگی است. یک روز شاید در همین شهر و در کوچه پسکوچه‌ها با دوستانی که بعضاً شهید شده و برخی دیگر صاحب منصب هستند بازی و رفاقت کردم و در خواب هم نمی‌دیدم نوار کاست تلاوت‌های من به کشورهای اروپایی و آمریکایی برسد و مخاطبان را به من جلب کند! خاطرم است کلاس اول ابتدایی بودم؛ مادرم مرتب در نماز جمعه شرکت می‌کرد و من نیز همراهشان بودم، آن تلاوت‌ها در صحن امام رضا(ع) باوجود سن کم، اذان گفتن‌ها بالای گلدسته‌ها و... خاطراتی ارزشمند است که هر کدامشان برای مردم در سراسر دنیا آرزو است! چنان که شخصاً در پروازهای طولانی خارج از کشور شاهد بودم مردم جطور به صورت برخط با حرم امام رضا(ع) ارتباط گرفته و اشک می‌ریختند.مگر می‌شود مشکلی داشته باشیم و به محضر امام رضا(ع) برویم و گره از ما باز نشود؟! یکی از نزدیکان من بیماری سختی داشت و من از شرایط حالی وی مطلع بودم، طبق عشق و علاقه و اعتقاد شخصم‌ام صبح‌ها عبودیت که کمال رشد است دست خواهد یافت. مادامی که بشریت توحید را نپذیرد در جاهلیت به‌سر می‌برد. بنابراین پیامبر(ص) از کلمه توحید برای تغییر فرهنگی جامعه بشری بهره برد. این ابزاری است که در هر دوره‌ای کاربرد دارد.

دومین ابزاری که پیامبر برای تغییر فرهنگ جامعه بشری استفاده کرد رحمت و محبت به مردم بود؛ زیرا به فرموده خداوند او رحمه للعالمین بود. این ویژگی رفتاری پیامبر به قدری غالب بود که حتی به سربازان خود می‌فرمود در جنگ چهره توأم با رأفت و مهربانی اسلام را نشان دهید، به زنان و کودکان آسیبی نرسانید. فرهنگ مهربانی زیربنای جامعه نبوی است.

یک تکه نور

آیت‌الله سیدمحمد حسینی زنجانی مطرح کرد

«فرهنگ‌مهربانی» زیربنای جامعه نبوی

نازلی مروت: تغییرات فرهنگی که از عصر پیامبر و با تکیه بر مؤلفه‌های اخلاقی رحمة‌للعالمین شکل گرفت زمینه بروز تمدن نبوی اسلامی را فراهم ساخت. آیت‌الله سید محمد حسینی زنجانی در گفت‌وگو با قدس آنلاین با اشاره به ویژگی‌های جهان در عصر بعثت پیامبر اسلام اظهار کرد: آن‌گونه که از قرآن استنباط می‌شود و از مطالعه تاریخ به دست می‌آید، بعثت پیامبر خاتم(ص) در عصر جاهلیت آغاز شد. این دوره تاریخی دارای ویژگی‌های خاصی است؛ خداوند در سوره اعراف آیه ۱۵۷ در بیان آن می‌گوید:«همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «اُمّی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر بازمی‌دارد؛ پاکیزه‌ها را برای آن‌ها حلال می‌کند و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد.

آیت الله زنجانی با بیان اینکه مطابق آیات، امر به معروف و نهی از منکر از وظایف اساسی پیامبر است، گفت: حرام کردن خباثت و اعمال پلید و توصیه و تشویق به نیکوکاری و اعمال پسندیده مهم‌ترین رسالت هر یک از انبیای الهی است. رسالت دیگری که بر دوش پیامبر گذاشته شد برداشتن سنگینی‌های افکار جاهلی از اذهان مردم است. این افکار پوسیده به زنجیرهایی تشبیه شده که دست و پای مردم را بسته و مانع رشد و تعالی عقلی و معنوی آنان شده است. بعثت پیامبر(ص) موجب شد این زنجیرهای اسارت و بندگی پاره شده و اندیشه مردم راه رشد و